

Social explanation of tax fraud in Iran (study case Tehran city)

Mohammad Seid¹
Iraj Saei Arasi^{2*}
Ehsan Rahmani Khalili³

Received Date: 3Jan2021
Reception Date: 3April2021

This research is about sociological explanation of tax fraud in Iran (study case Tehran city). The research goal is in field of practical and from the type of data collection is descriptive and correlation.

statistical society is include of all Tehran 1540000 tax payers and statistical sample are 383 person. Sampling method is random also data collection and required information method is questionnaire type. After distributing questionnaire and obtain required data the collected data was analyzed by SPSS software in two part of descriptive and correlation and also assumption test analysis was done by Pearson coefficient correlation and regression and path analysis.

Obtained findings showed. There is significant correlation between public awareness and tax fraud but there was no significant correlation between social trust and public participation with tax fraud. On the other hand, there was significant correlation between religious adherence and tax fraud also discoveries showed that public awareness and religious adherence and relative deprivation feeling and variables are able to predict tax fraud to extent of 0.6.

Key words: relative deprivation feeling, public awareness, religious adherence, Tax fraud, public participation

1. Department of sociology, center Tehran branch, Islamic azad university, Tehran, Iran.
2. Department of sociology, Abhar branch, Islamic azad university, Zanjan, Iran, correspoing Author, saiearasi@gmail.com
3. Department of sociology, center Tehran branch, Islamic azad university, Tehran, Iran.

تبیین جامعه‌شناختی فرار مالیاتی در ایران (مورد مطالعه شهر تهران)

محمد صید^۱ تاریخ دریافت: ۱۴-۱۰-۱۳۹۹

دکتر ایرج ساعی ارسی^{۲*} تاریخ پذیرش: ۱۴-۰۱-۱۴۰۰

دکتر احسان رحمانی خلیلی^۳

چکیده

در این مقاله به «تبیین جامعه‌شناختی فرار مالیاتی در ایران (مورد مطالعه شهر تهران)» پرداخته شده است. تحقیق حاضر از نظر هدف در حیطه تحقیقات کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی مؤدیان مالیاتی شهر تهران به تعداد ۱/۵۴۰/۰۰۰ نفر و نمونه آماری هم تعداد ۳۸۳ نفر از مؤدیان مالیاتی شهر تهران بودند. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی و جهت بدست آوردن اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پس از توزیع پرسشنامه و اخذ اطلاعات مورد نیاز، داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو بخش توصیفی و همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و جهت آزمون فرضیات هم از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شده است. یافته‌های بدست آمده نشان داد: بین آگاهی عمومی و فرار مالیاتی همبستگی معناداری وجود دارد. ولی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت عمومی با فرار مالیاتی رابطه معناداری مشاهده نشد. از سویی بین پایبندی دینی و فرار مالیاتی همبستگی منفی معناداری بدست آمد. همچنین یافته‌ها نشان داد که متغیرهای آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی به میزان ۶ درصد قادر به پیش‌بینی فرار مالیاتی می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: احساس محرومیت نسبی، آگاهی عمومی، پایبندی دینی، فرار مالیاتی،

مشارکت عمومی

طبقه‌بندی Z₀: JEL, Z₁₀, Z₁₃

۱. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه جامعه‌شناسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران، نویسنده مسئول. saiearasi@gmail.com

۳. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱. مقدمه و بیان مسئله

یک اقتصاد اجتماعی برای انجام وظایف خود به ابزارهایی متوسل می‌شود که از آن تحت عنوان «نهاد» یاد می‌کنیم. یکی از این نهادها، دولت است. در نظریه سیاسی لیبرالی، دولت به عنوان قراردادی بین افراد تعریف می‌شود که منافع آنها در برخی زمینه‌ها با تصمیم‌گیری و اجرای جمعی افزایش می‌یابد (هادگوپورهیپ، ۱۳۷۹: ۲). نهاد دولت برای اعمال حاکمیت جمعی نیازمند درآمد است که عمده‌ترین آن درآمدهای مالیاتی می‌باشد (سلطانی و پورغفار دستجردی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). واژه مالیات از مال گرفته شده و به معانی مختلفی از جمله «اجر و پاداش، زکات مال و جریمه‌ای که حکومت بدلیل ارتکاب جرایم ویژه از مرتکبان می‌گیرد» تفسیر می‌شود، اما در اصطلاح اقتصاددانان مالیات این گونه تعریف شده است: «مالیات مقدار پول یا مالی است که شهروندان یک کشور بر اساس قانون به دولت خود می‌پردازند تا برای اداره امور کشور، تأمین کالاها و خدمات عمومی و ضروری، تضمین امنیت و دفاع همگانی و عمران و آبادانی توسط دولت بهره‌برداری شود (احمدی دونچالی، ۱۳۷۲: ۹). در واقع مالیات به عنوان یک هزینه اجتماعی است که شهروندان یک جامعه در قبال استفاده از امکانات و خدمات عمومی باید پرداخت کنند (نوری خانیوردی، ۱۳۸۱: ۳۶).

وصول این‌گونه درآمدها (مالیات‌ها) همواره با مشکلاتی روبرو بوده است. یکی از دلایل فاصله داشتن سطح تحقق‌یافته مالیات از سطح واقعی آن، وجود پدیده فرار مالیاتی است (هادیان و تحویلی، ۱۳۹۱: ۴۰). همچنین هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات، مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می‌شود (رضایی سیابیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۶). به طور کلی فرار مالیاتی اقدام نادرستی است که به موجب آن مالیات‌دهندگان تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزارهای غیرقانونی، بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۲).

دو مسئله در فرار مالیاتی قابل بحث می‌باشد: نخست آنکه میزان آن از فردی به فرد دیگر متغیر است، به طوری که ممکن است دو فرد با میزان مالیات یکسان فرار مالیاتی متفاوتی داشته باشند. دوم زمانی که فعالیت‌های زیرزمینی وجود داشته باشد، کل اقتصاد تحت

تأثیر قرار می‌گیرد و مسئله فرار مالیاتی پیچیده‌تر می‌شود (شیرخدائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۳). سلمورد^۲ (۲۰۰۷) معتقد است که فرار مالیاتی منجر به افزایش مالیات تحریفی شده و از این رو با بزرگتر نمودن اقتصاد زیرزمینی، منابع را به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی سوق داده، به همین دلیل مانعی برای رشد اقتصادی به شمار می‌آید.

به طور کلی باید گفت، فرار مالیاتی امروزه یک مسأله جدی و قابل توجه برای اغلب کشورهاست (ضیایی‌بیگدلی و طهماسبی بلداجی، ۱۳۸۴: ۱۱۹). فرار از پرداخت مالیات در کشورهای در حال توسعه امری شایع است که عمدتاً به دلیل دشواری جمع‌آوری اطلاعات مربوط به درآمد، تولید، مبادلات، اسناد مالکیت و ارث در اینگونه کشورها مربوط می‌شود (فلاحتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴). همچنین فرار مالیاتی در اغلب کشورها معمولاً متأثر از عواملی از جمله مجموعه قوانین و مقررات، حجم اقتصاد غیررسمی، فرهنگ مالیاتی و میزان شفافیت در عملکرد دولت‌ها می‌باشد، لیکن در ایران ناکارآمدی نظام مالیاتی به لحاظ میزان اشراف آن بر اطلاعات مالی و اقتصادی مؤدیان بیش از هر عامل دیگری بر فرار مالیاتی مؤثر بوده است.

نگاهی گذرا به عملکرد نظام مالیاتی کشور طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد با وجود اقدامات مهم صورت گرفته در طول برنامه‌های اول تا چهارم توسعه برای اصلاح نظام مالیاتی در ابعاد مختلف نظیر اصلاح قوانین و مقررات مالیات‌ها، اصلاح نرخ‌ها و معافیت‌های مالیاتی و ... هنوز نظام مالیاتی کشور در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان وضعیت نامناسبی دارد و فرار مالیاتی در نظام مالیاتی کشور ایران بالاست (حسنی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳). همچنین، تحولات بازار جهانی نفت همواره درآمدهای مالیاتی را تحت تأثیر قرار داده، زیرا بخش مهمی از درآمدهای مالیاتی بطور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به درآمد نفت بوده است (سلطانی و پورغفاردستجردی، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

چنانچه برای پیشگیری از فرار مالیاتی چاره‌اندیشی نشود، ممکن است افراد دیگر نیز به منظور افزایش توان مالی خود به این کار ترغیب شوند و به دلیل تأثیر رفتار اجتماعی افراد بر یکدیگر، فرار مالیاتی به رغم پرهیز برخی افراد، بتدریج مقبولیت عمومی و گسترش یابد (فلاحتی، نظیفی و عباس‌پور، ۱۳۹۱: ۳۶). از این رو دولت پس از نفت، از یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی خود (دریافت مالیات) محروم می‌شود و برای تأمین مخارج

عمومی، با مشکل روبرو می‌شود و به ناچار برای تأمین مخارج خود، روی به استقراض، فروش منابع ملی و ... می‌آورد که این وضعیت برای کشور در حال توسعه‌ای چون ایران که سعی در رشد و توسعه و آبادانی کشور خود دارد، چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد.

۲. پیشینه تحقیق

فرار مالیاتی امروزه یک مسأله جدی و قابل توجه برای اغلب کشورهاست (ضیایی بیگدلی و طهماسبی بلداجی، ۱۳۸۴: ۱۱۹). اگرچه فرار مالیاتی حتی در کشورهای دارای یک نظام مالیاتی به طور کامل توسعه یافته نیز مشاهده می‌شود، ولی این مسئله برای کشورهای در حال گذار و آن دسته از کشورهایی که از نظام‌های قدیمی جمع‌آوری مالیات استفاده می‌کنند، بحرانی‌تر است (هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲: ۴۱). به گونه‌ای که نتایج تحقیقات هم روند افزایش فرار مالیات در ایران را اثبات می‌کند. در تحقیقی که توسط معصومه مطلبی، محمد علیزاده و سجاد فرجی دیزجی (۱۳۹۷) تحت عنوان «برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی با در نظر گرفتن عوامل رفتاری» انجام شده است، نتایج نشان داد که روحیه مالیاتی و بار مالیات بر واردات از علل اصلی پیدایش اقتصاد سایه هستند، بنابراین برعکس کشورهای توسعه‌یافته متغیر روحیه مالیاتی باعث افزایش اقتصاد سایه و فرار مالیاتی ناشی از آن می‌شود که نشان‌دهنده عدم تبعیت مالیاتی در ایران می‌باشد.

مهدی نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر اساس مدل پستل از دیدگاه مؤدیان و کارشناسان مالیاتی» نشان دادند که از نقطه نظر مؤدیان مشاغل، عوامل سیاسی و اقتصادی بیشترین تأثیر و عامل محیطی کمترین تأثیر را داشته است و از نظر کارشناسان کادر تشخیص، عوامل سیاسی، اقتصادی و قانونی بیشترین تأثیر و عامل محیطی کمترین تأثیر را داشته‌اند.

سانگ و یاربرو^۳ (۱۹۷۸) در تحقیقی در آمریکا نشان دادند، هنگامی که اشخاص اعتماد بیشتری به دولت دارند، احتمال کمتری دارد که از پرداخت مالیات بر درآمد اجتناب کنند.

۳. ادبیات نظری

فرار مالیاتی هرگونه عمل غی‌رقانونی برای نپرداختن یا کم پرداختن مالیات از سوی

شخص یا واحد اقتصادی تعریف می‌شود (امیرخاکی، ۱۳۹۱: ۳۳). همچنین هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات، مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی^۱ خوانده می‌شود (رضایی‌سیابیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۶). به طور کلی فرار مالیاتی اقدام نادرستی است که به موجب آن مالیات‌دهندگان تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزارهای غیرقانونی، بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۲).

آلم، مارتینز و وازکوئر^۲ به عنوان نظریه‌پردازان رویکرد نهادگرایی، کمبود نهادهای اجتماعی مؤثر در ارتقا هنجار تمکین را عامل زیربنایی فرار مالیاتی در همه کشورهای مخصوصاً کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌کنند. به نظر آنان وجود یک هنجار اجتماعی مبین آن است که اگر فرد باور داشته باشد که تمکین مالیاتی یک هنجار ارزشمند اجتماعی است، بدان عمل خواهد کرد و برعکس اگر رفتار عدم تمکین مالیاتی فراگیر شود، در آن صورت هنجار اجتماعی تمکین از میان خواهد رفت (میلانی و اکبرپور روشن، ۱۳۹۱: ۱۴۴). نظریه انصاف اشاره می‌کند که رضایت و رفتار مالیات‌دهنده به هم پیوسته است و یک فرد، رفتار خود را با رفتار دیگر افراد مقایسه می‌کند. نرخ مالیات بالاتر باعث تحریک خشم و تمایل به کاهش بار مالیاتی می‌شود، در حالی که نرخ پایین‌تر باعث حس ایجاد گناه و تمایل به پیروی می‌شود (تورگلر، ۲۰۰۶). بر اساس نظریه برابری، مؤدیان مالیاتی باید درک کنند که ارتباطشان با دولت نه تنها به عنوان ارتباطی اجباری و تهدیدآمیز نیست، بلکه ارتباطی تبادلی است. در واقع اگر مالیات‌دهندگان مشاهده کنند که دولت یا با مالیات پرداختی‌شان به ایجاد امکانات اجتماعی برای افزایش برابری قدم برمی‌دارد، انگیزه آنها برای پرداخت مالیات بیشتر می‌شود. در مقابل اگر مؤدی مالیاتی احساس کند که سیستم مالیاتی ناعادلانه است و بار مالیاتی زیادی دارد، هزینه‌های اخلاقی برای رفتار صادقانه کاهش و فرار مالیاتی به عنوان یک نوع مقاومت در برابر سیستم مالیاتی توجیه‌پذیر می‌شود (الم و همکاران، ۲۰۰۰). تایلر^۳ در نظریه خود استدلال می‌کند که درک نیاز مردم در یک رویکرد قانونی به توضیح نارضایتی عمومی از قانون و هدایت به سوی اصول ایجاد حمایت عمومی برای قانون در آینده کمک می‌کند، بنابراین اگر مؤدیان مالیاتی رفتاری منصفانه از طرف مقامات مالیاتی مشاهده کنند، تمایل‌شان برای

همکاری بیشتر می‌شود. از طرف دیگر یکی از مهمترین عوامل موثر بر اخلاق مالیاتی افراد، میزان اعتماد آنها به دولت و سیستم مالیاتی، حقوقی و قضایی است. به عبارتی هرچه افراد اعتماد بیشتری به دولت و سیستم مالیاتی، حقوقی و قضایی داشته باشند، انگیزه درونی بیشتری برای پرداخت مالیات خود خواهند داشت (تایلر، ۱۹۹۷).

۴. فرضیه‌های تحقیق

- بین فرار مالیاتی و آگاهی عمومی رابطه معناداری وجود دارد
- بین فرار مالیاتی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین فرار مالیاتی و پایبندی دینی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین فرار مالیاتی و مشارکت عمومی رابطه معناداری وجود دارد.

۵. روش تحقیق

نوع پژوهش توصیفی- تحلیلی و روش هم پیمایشی می‌باشد و از نظر هدف هم کاربردی- عملی می‌باشد، بدین معنی نهادها و سازمان‌های مسئول در زمینه‌ی وصول مالیات، در صورت تمایل می‌توانند از نتایج حاصله از این تحقیق استفاده نمایند. روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده می‌باشد، بدین معنی که هر یک از عناصر جامعه‌ی مورد نظر برای انتخاب شدن، شانس مساوی دارند و بدون اینکه طبقه‌بندی خاصی در بین افراد جامعه آماری صورت بگیرد، پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی در بین مؤدیان مالیاتی توضیح می‌گردد و تعداد نمونه آماری هم بر اساس فرمول کوکران ۳۸۳ نفر برآورد شد. در این تحقیق از پرسش‌نامه جهت بدست آوردن اطلاعات مورد نیاز استفاده شد. برای سنجش پایایی ابزار تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد. هرچه میزان آلفا بالاتر باشد، ابزار تحقیق از پایایی بالاتری برخوردار بوده و برعکس هر چقدر میزان آلفا پایین باشد، پایایی ابزار تحقیق کاهش خواهد یافت. پس از گردآوری داده‌ها، میزان آلفای کرونباخ هر یک از متغیرها در جدول زیر ذکر شده که همگی از میزان مناسبی برخوردار هستند:

جدول (۱) میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه‌های طیف

متغیر	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ
فرار مالیاتی	۱۰	٪۷۱
آگاهی عمومی	۸	٪۶۹
اعتماد اجتماعی	۱۸	٪۸۲
پایبندی دینی	۱۵	٪۹۱

منبع: یافته‌های تحقیق

ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده از نرم‌افزارهای spss می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده، از نرم‌افزار spss که در قالب روش توصیفی که شامل توصیف ساده متغیرها می‌باشد، استفاده شد، همچنین جهت سنجش متغیرها و آزمون فرضیات از روش استنباطی - علی و از آماره و آزمون مناسب با سطح سنجش متغیرها استفاده شد.

۶. یافته‌های تحقیق

۶-۱. تحلیل توصیفی

ارزیابی متغیرهای زمینه‌ای پژوهش بیانگر آن است، که بیشتر پاسخگویان، مرد و متأهل بوده، همچنین اکثریت دارای تحصیلات لیسانس بودند. از نظر منطقه محل تحقیق ساکنین، تقریباً از مناطق مرکز، شرق و غرب تعداد پاسخگویان به نسبت یکسان بودند، ولی منطقه‌ی جنوب تهران درصد بالاتری را به خود اختصاص دادند. همچنین میانگین سن پاسخگویان ۳۸/۷۳ سال، میانگین سابقه فعالیت ۱۳/۶۴ و همچنین میانگین فرار مالیاتی هم ۲۶/۸۷ بدست آمد.

جدول ۲) آماره‌های توصیفی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای پژوهش

متغیر	فراوانی	درصد	متغیر	فراوانی	درصد	
جنسیت	مرد	۲۹۹	۸۰/۴	مجرد	۸۲	۲۲/۴
	زن	۷۳	۱۹/۶	متاهل	۲۶۵	۷۲/۴
تحصیلات	بیسواد	۴	۱/۱	جدا شده از همسر	۱۱	۳٪
	پایین تر از دیپلم	۴۷	۱۲/۸	همسر فوت شده	۸	۲/۲
	دیلم و فوق دیپلم	۹۸	۲۶/۸	مرکز	۸۹	۲۳/۲
	لیسانس	۱۴۸	۴۰/۴	شرق	۹۶	۲۵/۱
جمع کل	کارشناسی ارشد و بالاتر	۶۹	۱۸/۹	غرب	۹۷	۲۵/۳
		۳۸۳		جنوب	۱۰۱	۲۶/۴
میانگین	میانگین	مد (نما)	کمترین میزان	بیشترین میزان		
سن	۳۸/۷۳	۳۶	۳۵	۲۱	۷۰	
سابقه فعالیت	۱۳/۶۴	۱۱/۵۰	۸	۱	۳۳	
فرار مالیاتی	۲۶/۸۷	۲۷	۲۵	۱۲	۴۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

۷. آمار استنباطی:

۷-۱. آزمون فرضیه‌ها:

در ارزیابی فرضیه‌های مورد بررسی در این پژوهش، اطلاعات جدول شماره ۲) نشان می‌دهد، فرار مالیاتی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $0.00 = Sig$ با آگاهی عمومی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r = 0.17$ شدت این رابطه ضعیف ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که مثبت است، گویای جهت مستقیم رابطه بین دو متغیر است، به عبارت دیگر هرچه آگاهی عمومی بالاتر باشد، میزان فرار مالیاتی هم افزایش می‌یابد و بالعکس. از سویی فرار مالیاتی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $0.16 = Sig$ با اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری ندارد. همچنین فرار مالیاتی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $0.00 = Sig$ با

پایبندی دینی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0.13$ شدت این رابطه ضعیف ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که منفی است گویای جهت معکوس رابطه بین دو متغیر است. به عبارت دیگر هرچه پایبندی دینی بالاتر باشد، میزان فرار مالیاتی کاهش می‌یابد و بالعکس. همچنین فرار مالیاتی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0.97$ با مشارکت عمومی همبستگی معناداری ندارد.

جدول ۳) آزمون همبستگی (بررسی رابطه معناداری بین متغیرهای پژوهش)

فرضیه‌ها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بین فرار مالیاتی و آگاهی عمومی رابطه معناداری وجود دارد	0.173^{***}	۰/۰۰۱
بین فرار مالیاتی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۷۱/۰	۱۶۷/۰
بین فرار مالیاتی و پایبندی دینی رابطه معناداری وجود دارد	-0.136^{***}	۰/۰۰۸
بین فرار مالیاتی و مشارکت عمومی رابطه معناداری وجود دارد	۰/۰۰۲	۰/۹۷۱

منبع: یافته‌های تحقیق

۲-۷. رگرسیون چند متغیره تحقیق:

- به نظر می‌رسد، آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی بر فرار مالیاتی مؤثر است.

با توجه به معناداری آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق که پیش شرط آزمون رگرسیون می‌باشد، حال در اینجا جهت تعیین میزان تأثیر متغیرهای مستقل آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی بر فرار مالیاتی از رگرسیون خطی با روش Stepwise استفاده شده است. به کمک این روش سه مدل برای تبیین متغیر وابسته پیشنهاد شده است:

- آگاهی عمومی

- آگاهی عمومی، پایبندی دینی

- آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی.

جدول ۴) ضرایب رگرسیونی مربوط به مدل‌های پیش‌بینی شده

Sig سطح معناداری	میزان آزمون T	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		مدل
		Beta (بتا)	Std. Error خطای استاندارد از میانگین	B ضریب تأثیر	
۰۰۰/۰	۱۵/۹۳۳	-	۱/۷۰۴	۲۷/۱۴۸	میزان ثابت
۰۰۵/۰	۲/۸۴۶	۱۴۶/۰	۰۳۵/۰	۰۹۹/۰	آگاهی عمومی
۰۰۰۵/۰	۲/۷۹۴-	۱۳۹/۰-	۰۲۴/۰	۰۶۷/۰-	پایبندی دینی
۰۱۹/۰	۲/۳۶۳	۱۲۱/۰	۰۴۶/۰	۱۰۸/۰	احساس محرومیت نسبی

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به ضرایب رگرسیونی فوق، در این مدل متغیرهای مستقل آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی بر فرار مالیاتی تأثیر دارد که معادله خط رگرسیونی پیش‌بینی آن به شرح ذیل است:

$$y = a + b_1 \cdot x_1 + b_2 \cdot x_2 + b_3 \cdot x_3 \quad (1)$$

$$Y = 27/10 + 0/09(\text{آگاهی عمومی}) - 0/06(\text{پایبندی دینی}) + 0/10(\text{احساس محرومیت نسبی}) \quad (2)$$

مقدار ثابت برابر است با ۲۷/۱۴، ضریب تأثیر متغیر آگاهی عمومی برابر است با ۰/۰۹، ضریب تأثیر متغیر پایبندی دینی برابر است با ۰/۰۶، ضریب تأثیر متغیر احساس محرومیت نسبی برابر است با ۰/۱۰، به عبارت دیگر در ازای تغییر متغیرهای آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی به میزان ضریب مربوطه، فرار مالیاتی به میزان یک انحراف معیار تغییر می‌یابد.

در پی پاسخ به این سؤال که بین این سه متغیر مستقل بیشترین تأثیر مربوط به کدام متغیر است، از معادله رگرسیونی استاندارد شده استفاده می‌کنیم. فرمول ضریب رگرسیونی استاندارد شده به صورت زیر می‌باشد:

$$Zy = B_1 \cdot X_1 + B_2 \cdot X_2 + B_3 \cdot X_3 \quad (3)$$

$$Zy = 0/14 \text{ (آگاهی عمومی)} - 0/13 \text{ (پایبندی دینی)} + 0/12 \text{ (احساس محرومیت نسبی)} \quad (4)$$

با توجه به معادله فوق، بیشترین تأثیر به ترتیب مربوط به متغیرهای آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی است.
تحلیل مسیر:

جدول ۵) تحلیل مسیر مرحله اول

Sig	t	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		
			Beta	Std. Error	
۰/۰۰۰	۱۵/۹۳۳	-	۱/۷۰۴	۲۷/۱۴۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۵	۲/۸۴۶	۰/۱۴۶	۰/۰۳۵	۰/۰۹۹	آگاهی عمومی
۰/۰۱۹	۲/۳۶۳	۰/۱۲۱	۰/۰۴۶	۰/۱۰۸	پایبندی دینی
۰/۰۰۵	۷۹۴/۲-	۰/۱۳۹ -	۰/۰۲۴	۰/۰۶۷ -	احساس محرومیت نسبی

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۶) تحلیل مسیر مرحله دوم

.Sig	t	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		
			Beta	Std. Error	
۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۸	-	۱/۰۹۷	۱۵/۶۹۲	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۴/۸۲۱	۰/۲۴۰	۰/۰۶۵	۰/۳۱۶	احساس محرومیت نسبی

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۷) محاسبه ضریب تاثیر متغیر آگاهی عمومی بر متغیر وابسته

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضرایب بتا
اثر مستقیم	$y \rightarrow X_1$	۰/۱۴
اثر غیرمستقیم	-	-
کل اثرات مستقیم و غیرمستقیم		۰/۱۴

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۸) محاسبه ضریب تاثیر متغیر احساس محرومیت نسبی بر متغیر وابسته

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضرایب بتا
اثر مستقیم	$y \rightarrow X_2$	۰/۱۲
اثر غیرمستقیم	$y \rightarrow X_1 \rightarrow X_2$	۰/۰۳
کل اثرات مستقیم و غیرمستقیم		۰/۱۵

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۹) محاسبه ضریب تاثیر متغیر احساس محرومیت نسبی بر متغیر وابسته

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضرایب بتا
اثر مستقیم	$y \rightarrow X_3$	۰/۱۳
اثر غیرمستقیم	-	-
کل اثرات مستقیم و غیرمستقیم		۰/۱۳

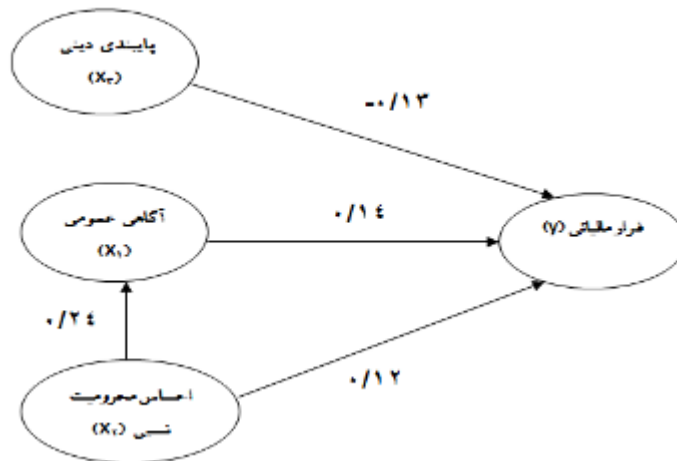
منبع: یافته های تحقیق

جدول ۱۰) مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر
آگاهی عمومی	۰/۱۴	-	۰/۱۴
احساس محرومیت نسبی	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۱۵
پایبندی دینی	۰/۱۳	-	۰/۱۳

منبع: یافته های تحقیق

که در نهایت ضرایب رگرسیونی مدل تحقیق به صورت زیر است:



مدل به دست آمده از تحلیل مسیر نشان می‌دهد که هر سه متغیر آگاهی عمومی، احساس محرومیت نسبی و پایبندی دینی به طور مستقیم بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارند. تأثیر متغیرهای آگاهی عمومی و احساس محرومیت نسبی مثبت و پایبندی دینی تأثیری منفی بر فرار مالیاتی دارد. متغیر احساس محرومیت نسبی به طور غیرمستقیم هم بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارد. با توجه به مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر، می‌توان گفت احساس محرومیت نسبی بیشتر از آگاهی عمومی و آگاهی عمومی بیشتر از پایبندی دینی بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارند.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

در فرضیه اول به «بررسی رابطه بین آگاهی عمومی و فرار مالیاتی» پرداخته شده است. برای سنجش این فرضیه از آزمون معنی‌داری پیرسون استفاده شده است. نتایج آزمون نشان از تأیید فرضیه دارد و نشان داد، رابطه معناداری بین آگاهی عمومی و فرار مالیاتی در بین مؤدیان وجود دارد. همچنین مقدار ضریب همبستگی آزمون که برابر با $0.17/17 =$ است، شدت این رابطه را ضعیف ارزیابی می‌کند و از سویی گویای جهت مستقیم رابطه بین دو متغیر است، به عبارتی نشان می‌دهد که هرچه آگاهی عمومی بالاتر باشد، میزان فرار مالیاتی هم افزایش می‌یابد و بالعکس.

عنوان فرضیه دوم «به نظر می‌رسد، بین اعتماد اجتماعی و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد» می‌باشد. نتایج با سطح معناداری $0.16/Sig =$ نشان داد، رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی و فرار مالیاتی وجود ندارد و فرضیه رد شد. در تحقیقی که توسط آزاد خانزادی، مریم حیدریان و سارا مرادی (۱۳۹۷) انجام شده است، نتایج نشان داد، در یک جامعه معتمد، مسئولین مالیاتی با بهره‌گیری از قدرت مشروع خود باعث کاهش فرار مالیاتی و افزایش تمکین داوطلبانه می‌شوند، که با نتیجه فرضیه هم‌خوان است.

آزمون فرضیه سوم با این عنوان که «بین پابندی دینی و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد» نشان داد، بین فرار مالیاتی و پابندی دینی رابطه و همبستگی منفی معناداری وجود دارد، بدین معنی که هرچه پابندی دینی بالاتر باشد، میزان فرار مالیاتی کاهش می‌یابد و بالعکس. نتایج تحقیقی که توسط مرادی و همکاران (۱۳۹۲) انجام گرفته، نشان داد که رابطه معنی‌داری بین مذهب با فرار مالیاتی مشاهده نشد. سرگوئی و کوچیر (۲۰۱۱) در تحقیقی نشان دادند که در کشورهای دارای مردمان با حیا و صداقت بیشتر، تغییرات نرخ مالیات اثر بیشتری بر روی نرخ رشد اقتصادی می‌گذارد، در حالی که در کشورهای با اثر شرم پایین چون پرهیز و فرار مالیاتی بیشتر است، تغییرات نرخ مالیات اثر کمتری بر روی رشد اقتصادی دارد. از سویی وادیال و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی «به بررسی رابطه میان فرهنگ و فرار مالیاتی در نیجریه» پرداختند، که نشان دادند، بین دین‌داری و فرار مالیاتی هیچگونه رابطه معنی‌داری وجود نداشته است.

عنوان فرضیه چهارم «بین مشارکت عمومی و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد»

می‌باشد. جهت آزمون فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج تحلیل آماری نشان داد، بین مشارکت عمومی و فرار مالیاتی همبستگی و رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج تحقیقی که توسط مهدی ایزدبخش و همکاران (۱۳۹۶) انجام گرفت، نشان داد ترویج فرهنگ مالیاتی و قوانین و مقررات مالیاتی به عنوان مؤثرترین عامل و عقاید و باورهای عمومی و انتظارات مؤدیان مالیاتی از نتایج حاصل از پرداخت مالیات از عوامل مؤثر در جلب اعتماد و مشارکت عمومی جهت پرداخت مالیات بوده است.

عنوان فرضیه پنجم «به نظر می‌رسد، آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی بر فرار مالیاتی مؤثر هستند» می‌باشد. جهت آزمون فرضیه از رگرسیون خطی استفاده شد، نتایج رگرسیون نشان داد، متغیرهای مستقل آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی بر فرار مالیاتی تأثیر دارند و میزان این تأثیرات ۶ درصد است. از سویی بیشترین تأثیر به ترتیب مربوط به متغیرهای آگاهی عمومی، پایبندی دینی و سپس احساس محرومیت نسبی می‌باشد.

همچنین نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد، هر سه متغیر آگاهی عمومی، احساس محرومیت نسبی و پایبندی عمومی به طور مستقیم بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارند. تأثیر متغیرهای آگاهی عمومی و احساس محرومیت نسبی مثبت و پایبندی دینی تأثیری منفی بر فرار مالیاتی دارد. متغیر احساس محرومیت نسبی به طور غیرمستقیم هم بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارد. با توجه به مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر، می‌توان گفت احساس محرومیت نسبی بیشتر از آگاهی عمومی و آگاهی عمومی بیشتر از پایبندی دینی بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارند.

۹. پیشنهادها

پیشنهادها در دو قسمت به شرح زیر ارائه شده است:

۹-۱. پیشنهادهای پژوهشی

۱- پیشنهاد می‌شود، این پژوهش از طریق طرح‌های دقیق‌تر و با نمونه‌های بزرگ‌تر اجرا شود، تا بهتر بتوان به نتایج آن اعتماد کرد.

۹-۲. پیشنهاد‌های کاربردی

۱- هنجار شدن پرداخت مالیات در ایران نیازمند تغییر نگاه و باور منفی مردم نسبت به مالیات است، به همین دلیل پیشنهاد می‌شود، دولت از امکانات و تجهیزات رسانه‌های ارتباطی، خصوصاً تلویزیون که رسانه‌ی همگانی‌تر بوده استفاده نماید و با بحث‌های کارشناسی و دعوت از متخصصین و کارشناسان مسائل مالیاتی، گام‌های اساسی را برای افزایش آگاهی عموم مردم از منافع و مزایای پرداخت مالیات و همچنین مضرات فرار مالیاتی در بین عموم مردم بردارد، چرا که یکی از علل اصلی مقاوم کسبه و مؤدیان مالیاتی، داشتن آگاهی نادرست از علل پرداخت مالیات و نقش آن در تأمین هزینه‌های عمومی است، که نتیجه‌ی آن ایجاد نوعی حس مقاومت درونی در آنان جهت پرداختن مالیات می‌باشد.

Social explanation of tax fraud in Iran (study case Tehran city)

Abstract

This research is about sociological explanation of tax fraud in Iran (study case Tehran city). The research goal is in field of practical and from the type of data collection is descriptive and correlation.

statistical society is include of all Tehran 1540000 tax payers and statistical sample are 383 person. Sampling method is random also data collection and required information method is questionnaire type. After distributing questionnaire and obtain required data the collected data was analyzed by SPSS software in two part of descriptive and correlation and also assumption test analysis was done by Pearson coefficient correlation and regression and path analysis.

Obtained findings showed. There is significant correlation between public awareness and tax fraud but there was no significant correlation between social trust and public participation with tax fraud. On the other hand, there was significant correlation between religious adherence and tax fraud also discoveries showed that public awareness and religious adherence and relative deprivation feeling and variables are able to predict tax fraud to extent of 0.6.

Key words: relative deprivation feeling, public awareness, religious adherence, Tax fraud, public participation

۱۰. کتابنامه

- احمدی دونچالی، م (۱۳۷۲). ساختار مالیاتی ایران و رشد و توسعه اقتصادی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- امین خاکی، ع (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی تحقق درآمدهای مالیاتی با رویکردی بر جرم فرار مالیاتی»، مجله علمی - ترویجی کارآگاه، د ۶، ش ۲۱: ص ۲۶-۶۰.
- ایزدبخش، م؛ غیائی، پ؛ سهرابی، م. و اسلامی، م (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر در اعتماد و مشارکت عمومی در پرداخت مالیات»، هفتمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تبریز، (۱۳۹۶/۰۶/۲۳).
- حسنی، م؛ شبان، م؛ مختاری‌مسینایی، م. و مودی، و (۱۳۹۱). بررسی عوامل تأثیرگذار بر ظرفیت مالیاتی و پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی استان خراسان جنوبی با استفاده از مدل *ARMA*، خراسان جنوبی: هسته پژوهشی سازمان امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی.
- رضایی سیابیدی، م (۱۳۹۶). «راه‌های مقابله و جلوگیری از فرار مالیاتی»، فصلنامه علمی - حقوقی قانونی یار، د ۴، ش ۴: ص ۱۴۵-۱۵۹.
- سلطانی، م. و پورغفاردستجردی، ج (۱۳۹۱). «فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر درآمدهای مالیاتی در ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، د ۲۰، ش ۶۲: ص ۱۴۳-۱۷۰.
- شیرخدائی، م؛ خلیلی پالندی، ف. و شیرازی، ه (۱۳۹۵). «بازاریابی اجتماعی در سازمان امور مالیاتی و تبیین نقش انتقام ارباب رجوع در تمایل به فرار مالیاتی»، پژوهشنامه مالیات، د ۲۴، ش ۳۲: ص ۹۷-۱۲۳.
- ضیائی بیگدلی، م. و طهماسبی‌بلداجی، ف (۱۳۸۴). مالیات بر ارزش افزوده (مالیات مدرن)، تهران: نشر پژوهشکده امور اقتصادی.
- عبدالله میلانی، م. و اکبر پور روشن، ن (۱۳۹۱). «فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی در ایران»، پژوهشنامه مالیات، د ۱۳، ش ۶۱: ص ۱۶۱-۱۶۸.
- فلاحتی، ع؛ نظیفی، م. و عباس‌پور، س (۱۳۹۱). «مدل‌سازی اقتصاد سایه‌ای و تخمین فرار مالیاتی در ایران با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی»، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، د ۲، ش ۶: ص ۳۳-۵۸.

- مرادی، م.؛ رستمی، ا. و تقی‌زاده، ر (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی»، پژوهشنامه مالیات، ۲۱، ش ۱۸: ص ۱۸۱-۲۰۲.
- مطلبی، م.؛ علیزاده، م. و فرجی‌دیزجی، س (۱۳۹۷). «برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی با در نظر گرفتن عوامل رفتاری»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، س ۷، ش ۲۷: ص ۱۴۱-۱۶۷.
- نصر اصفهانی، م.؛ نصر اصفهانی، م. و دلوی اصفهان، م (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر اساس مدل پستل از دیدگاه مؤدیان و کارشناسان مالیاتی»، دو فصلنامه پژوهش‌های مالیه اسلامی، س ۱، ش ۱: ص ۲۹-۴۰.
- نوری‌خانپوردی، ا (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در شهرستان تبریز»، کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- هادگوپورهیپ، ش (۱۳۷۹). مالیه عمومی، ترجمه مهدی تقوی، تهران: نشر قومس.
- هادیان، ا. و تحویلی، ع (۱۳۹۲). «شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه و بودجه، د ۱۸، ش ۲: ص ۳۹-۵۸.

- Alm, J. G; McClelland, H; Schulze, W. D. (2000). Why do people pay tax: Journal of Public Economics. 48(1). 21-38.

- Slemrod, J; Yitzhaki, S. (2007). Tax Avoidance, Evasion and Administration, Handbook of Public Economics, in: A.J. Auerbach and M. Feldstein, Handbook of Public Economics, 3, 1423-1470.

- Song, Y. D; Yarbrough, T.E. (1978). Tax Ethics and Tax Attitudes: A Survey: Public Administration Review, 38, 442-452.

- Torgler, B. (2006). The importance of faith: Tax morale and religiosity: Journal of Economic Behavior & Organization, 61(1), 81-109.

- Tyler, T. R. (1997). Procedural Fairness and Compliance with the Law: Swiss Journal of Economics and Statistics, 133, 219-240.

- vadiale, O; Fagbebi, T; Ogunleye, J. (2010). An empirical study of the relationship between culture and personal income tax evasion in Nigeria: European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences, 20(2), 116- 126.